

فوران

سلام

تو ای رفیق بزرگ
ای رفیق رزمنده
بتو درود و سپاس
بتو سلام سلام
بتو که رهبر و پیشوای راه خلق بودی
بتو که روز و شب اندر کنار خلق بودی
رفیق اکرم یاری
بتو درود و سپاس
بتو که مشعل آزادگی بر افراشتی
بتو که شعله جاوید را بلند داشتی
تورفته ای و اما راه تو درخشان است
درفش رزم تو جاوید در شبستان است
کسی که باور کامل به راه تو دارد
همیشه جنگ و ستیز با عدوی تو دارد
هنوز رزم تو در قلب توده ها باقیست
هنوز ساغر تو دست مردم و ساقیست
بنام نامی تو جرعه جرعه مینوشم
به راه رزم تو هر لحظه لحظه می کوشم
رفیق اکرم یاری رفیق رزمنده
همیشه راه تو جاوید و بازو پاینده

شورش خلق

شورش خلق بار دیگر گشته آغاز در وطن
تا کند جارو ز کشور هر نوع زاغ و زغن
دشمن خلق گرچه کوشد خویش را مخفی کند
چون بر روی نازنینی همچو خال اندر ذقن
لیک مردم می شناسد دشمن مکار خلق
گرچه ماند ریش و پوشد هم کلاه و هم چین
دست بدست هم دهیم ای رهروان انقلاب
تا بیفتد شور و مستی چون گلاب اندر سمن
ای وطنداران مبارک شورش خلق کبیر
تا کند نابود آخر این همه رنج و محن
خصم خلق را همچو میخ خیمه میخواهم مدام
سربه سنگ و تن به خاک و گردنش اندر رسن
باشد آن روزی که بینم دشمن مکار خلق
با تن پوسیده افتد چون شغاد اندر کفن

عندليب خوشنوا مستی نماید روز و شب
تا بیاید انقلاب از کوهساران و دمن

شط پایمردی

در شط پایمردی و در آخرین نبرد
جز مرد عهد بسته و مردان فهردان
تاب مقاومت
زدگر ناکسان خطاست
مردان نیمه راه
پر از مکرواز ریا
در لحظه ء مقاومت اولین نبرد
دستی بگوش گرفته
جبین بر زمین زدند